



## ۳۰ سال تلاش معدنچی زن

### مقدمه

اولین تیشه را که به سنگ سخت کوبیده بود، دستانش با آن بیگانه بود اما خاطرات زندگی اش سهتی سنگ روزگار را به خوبی می شناخت. زن، روزی که معدن را به عنوان محل کارش برگزید، خوب می دانست روزگار سخت به پایان خواهد رسید. او از همان روز با امید به دل کوه می رفت و سنگ استخراج می کرد و نام خود را به عنوان تنها زن معدنچی ثبت می کرد. منیژه ابن عباسی در سال ۱۳۲۵ در مهاباد متولد شد او در سال های نخستین زندگی اش صاحب ۴ فرزند پسر و ۲ دختر شد. هنوز در دهه سوم زندگی بود که همسرش فوت کرد و او ناچار شد تا برای ارتقای زندگی تصمیم بزرگی بگیرد و لبخند هر روزه فرزندان را نظاره گر باشد.

**از چه زمانی بطور مستقل شروع به کار کردید؟**  
از سال ۶۱ شروع به کار کردم.

**چطور شد که تصمیم گرفتید کار کنید؟**

بعد از مرگ شوهرم تصمیم گرفتم برای امرار معاش و چرخاندن چرخ زندگی ام با شش فرزند کوچک کار کنم.

**از کجا شروع کردید؟**

به اداره کل صنایع رفته و اعلام کردم همسرم فوت کرده و می خواهم کار کنم.

### دنبال چه کاری بودید؟

می خواستم در معدن و در کوه کار کنم.

**آنها چه عکس العملی در برابر این درخواست شما نشان دادند؟**  
می گفتند یک زن نمی تواند این کار را انجام دهد. من هم خیلی اصرار کردم تا اینکه اجازه دادند کارم را شروع کرده و سنگ از معدن استخراج کنم.

**زمانی که شروع به کار کردید و سختی کار را دیدید، چگونه ادامه دادید؟**

کار خیلی سخت بود ولی من مسئولیت شش فرزندم را باید به دوش می کشیدم. خسته می شدم ولی دیدن چهره های خندان فرزندانم به من انرژی می داد. سه ماه سه ماه با من قرار داد می بستند و در کوه کار می کردم.

**پس از آن چقدر پلکان ترقی را بالا رفتید؟**

چند سالی کار کردم. اگر چه به گفته آنها نه همسری داشتم و نه ماشینی، ولی چند کارگر گرفته بودم و به خوبی پس از مدتی از عهده کار بر آمدم. تا اینکه در مزایده شرکت کردم. دوبار اول برنده نشدم. با این حال با همان سختکوشی باز هم به کارم ادامه دادم. بار سوم بود که در مزایده شرکت کردم و بالاخره برنده شدم.

**چند ساعت در طول روز در معدن کار می کنید؟**

۳۰ سال است ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه صبح از خواب بیدار

